

حدود و شرایط نظر به مخطوبه

سکینه کاظمی گرجی^۱

چکیده

مقاله حاضر به این سوال پاسخ داد که حدود و شرایط جواز نظر مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد چیست؟ با بررسی روایات و ادله مربوطه نظر مراجع متقدم و متاخر بیان شد و این نتیجه حاصل شد که در مورد قلمرو نظر به مخطوبه سه نظریه وجود دارد. برخی فقط وجه و کفین را مجاز می دانند که مشهور قدما همین قول بود. برخی علاوه بر وجه و کفین، نگاه به محاسن و معاصم زن را بدون ساتر اما نگاه به سایر اعضا را با ساتر اجازه داده اند و برخی هم نگاه به تمام بدن بدون پوشش غیر از عورتین را اجازه داده اند قول چهارمی هم وجود دارد که تعیین دایره‌ی آنرا به عرف مسلمین واگذار کرده است، البته این نگاه باید تحت شرایطی باشد تا کسی از آن سوء استفاده نکند و حقوق زن ضایع نشود. همچنین به سوال مهم دیگری هم جواب داده شد و آن اینکه آیا زن هم میتواند به مردی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند؟ قول منکرین و مثبتین بررسی شد و نتیجه این شد که زن و مرد در امر ازدواج با هم شریکند پس در این مورد از حقوق مساوی برخوردارند.

واژگان کلیدی: نظر به مخطوبه، ازدواج، وجه، کفین، محاسن، معاصم، عرف مسلمین

مقدمه

یکی از مهم‌ترین احکام و مقدمات ازدواج که مورد توجه فقهای شیعه قرار گرفته است «جواز نظر مرد به زنی است که می خواهد با او ازدواج کند» که در کتب فقهی در باب نکاح، ذیل عنوان «احکام لمس و نظر» به آن پرداخته شده است.

^۱ - طلبه سطح ۴ جامعه الزهرا (سلام الله علیها)

در دین مبین اسلام، اصل اولی در ارتباط مردان با زنان اجنبیه، حرمت نگاه و لمس مرد به اندام زن نامحرم و بالعکس است. لذا هم به مردان مومن و هم زنان مومن سفارش می کند «چشم‌های خود را از آنچه حرام است فروبندند و فروج خود را حفظ کنند.» (نور/۳۰ و ۳۱)

از طرفی دین اسلام نسبت به امر مقدس ازدواج و بنای خانواده اهتمام زیادی داشته و راهکارها و توصیه‌هایی برای استحکام این میثاق مقدس بیان کرده است.

از جمله اینکه: یکی از مقدمات ازدواج این است که طرفین با آگاهی و شناخت از اوصاف و ویژگی‌های یکدیگر، از همان ابتدا با انتخاب صحیح و عاقلانه اقدام به این کار کنند.

بنابراین برای تداوم صفا و مودت و محبت میان زوجین بر اصل اولی حرمت نظر، استثنایی قرار داده و آن اینکه «نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد جایز است.»

پیامبر(صلی الله علیه و آله) به مغیره بن شعبه هنگامی که از زنی خواستگاری نموده بود فرمود: «اگر به آن زن نگاه کنی برای ایجاد الفت و تداوم مودت میان شما شایسته است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۹۰)

این حکم فی الجمله محل وفاق فقها است، بلکه صاحب جواهر در آن ادعای اجماع به هر دو قسمش کرده است. (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۶۴)

احادیث و روایات متعددی از شیعه و سنی در حد توان بر این مسئله وارد شده است.

فی الجمله تردیدی در جواز نظر مرد به زنی که از او خواستگاری کرده و قصد ازدواج با او را دارد، وجود ندارد، اما در فروعات این حکم پرسش‌هایی وجود دارد که باید بررسی شود. از جمله اینکه: ۱- مرد تا چه اندازه مجاز است به زنی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند. اقوال و ادله ی فقها چیست؟ ۲- شرایط جواز نگاه به این زن چیست؟ ۳- آیا زن هم مجاز است به مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه کند؟

لذا در این مقاله با هدف بررسی حدود و شرایط نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد در سه مبحث اصلی بحث می شود: ۱- اقوال و ادله فقها در محدوده جواز نظر به مخطوبه ۲- شرایط نظر به مخطوبه ۳- جواز نگاه زن به مردی که قصد دارد با او ازدواج کند.

مبحث اول: اقوال و ادله فقها در محدوده‌ی نظر به مخطوبه

در مورد جواز نظر مرد به وجه و کفین زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند همه ی فقها اتفاق نظر دارند اما در محدوده‌ی بیشتر از آن بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

به طور کلی اقوال فقها را تحت سه نظریه می توان مورد بررسی قرار داد.

حدود و شرایط نظر به مخطوبه ۳

۱- جواز نظر اختصاص به وجه و کفین دارد.

شیخ طوسی (ره) در کتاب خلاف نگاه کردن به غیر عورت را جایز دانسته و فرموده: «از نظر ما و مالک و شافعی همه جای بدن زن غیر از وجه و کفین عورت است». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۷)

ابن فهد حلی اختصاص جواز به وجه و کفین را به اکثر فقها نسبت داده است. (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۵)

محقق حلی در شرایع جواز نظر به مخطوبه را به وجه و کفین اختصاص داده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۳)

شیخ انصاری نیز جواز نظر به مخطوبه را مختص وجه و کفین می‌داند. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸)

در المقنعه هم جواز نظر به وجه و کفین مقداری که خارج از بدن است اختصاص داده شده است. (بغدادی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲۱) این نظر در بین قدا از شهرت برخوردار است.

۲- علاوه بر وجه و کفین نگاه به مو و معاصم و محاسن زن نیز مجاز دانسته شده است.

شیخ طوسی (ره) در کتاب نه‌ایة علاوه بر وجه و کفین، نظر به محاسن زن و در حال راه رفتن از روی لباس را جایز دانسته است. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸۴)

ابوصلاح حلبی نظر به وجه و بدن زن و نگاه به او در حال راه رفتن با لباس را جایز می‌داند (حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۹۶)

مرحوم سبزواری نیز علاوه بر وجه و کفین به جواز نظر به مو و محاسن زن فتوا داده است. (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۸۲)

علامه حلی در کتاب تحریرش فرموده: «نگاه مرد به صورت و دست ها و موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد جایز است و نگاه به غیر وجه و کفین بدون ساتر جایز نیست.» (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۱۲)

محقق کرکی (ره) گوش‌ها و گردن و گلو و ساق پا را جزء محاسن دانسته و نگاه به آن ها را بدون پوشش جایز دانسته است. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۷)

صاحب ریاض، نگاه به معاصم را هم جایز دانسته است. (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۳۹)

مرحوم خوئی، علاوه بر موارد ذکر شده نگاه به ساق پا را هم اجازه داده اند. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۱۴)

۳- نظر به تمام بدن غیر از عورتین جایز است.

صاحب جواهر نگاه مرد به تمام بدن زن مورد خواستگاری اش را جایز دانسته (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۶۶) صاحب عروه نیز فرموده: «بعید نیست که نظر به تمام بدن زن غیر از عورتین جایز باشد» (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۰۱) امام خمینی نیز نظر به تمام بدن زن غیر از عورتین را اقوا دانسته است. (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۵)

ادله‌ی اقوال در محدوده نظر به مخطوبه

ادله قول اول:

دلیل اول: به عموم قول خداوند استدلال شده که فرموده: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور/۳۰) به مومنین بگو چشمهایشان را از حرام بپوشند. پس حکم اولی حرمت نگاه است، فقط مواردی که بر جواز آن اجماع داریم، از این عموم خارج شده‌اند. لذا بقیه موارد تحت این عام باقی می‌مانند. (حلی ابن فهد، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۵)

برخی هم به اطلاق آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور/ ۳۱) استدلال کرده اند، به این نحو که طبق نظر مفسرین مراد از «ما ظَهر مِنْهَا» وجه و کفین است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۸)

فخرالمحققین نیز به عموم آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور/۳۰) استدلال کرده است که از عموم این آیه وجه و کفین خارج شده به خاطر لفظ «ما ظَهر مِنْهَا» که در آیه بعد آمده است و اطلاق امر در غرض بصر شامل نگاه خواستگار هم می‌شود. (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۶)

محقق کرکی در مورد دلیل کسانی که محدوده جواز را به وجه و کفین اختصاص داده‌اند می‌فرماید: «چون با نگاه به وجه و کفین مقصود رویت حاصل می‌شود برای همین غیر از وجه و کفین تحت عموم حرمت نگاه باقی می‌ماند. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۸)

دلیل دوم: روایات

دسته اول روایاتی است که دلالت می‌کند «نگاه تیری از تیرهای شیطان است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۸۹) و روایاتی که دلالت می‌کنند بر اینکه نگاه باعث وقوع در فتنه می‌شود.

دسته دوم روایاتی است که شیخ طوسی (ره) آن را در کتاب خلاف بیان کرده: «روایت شده از جابرین عبدالله که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إذا اراد احدکم أن یتزوج امرأةً فلینظر الی وجهها و کفیها» و روایت ابودرداء از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

حدود و شرایط نظر به مخطوبه^۵

فرمود: «اگر خداوند در قلب مردی خواستگاری زنی را قرار داد، فلا باس ان يتامل محاسن وجهها» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۸)

دلیل سوم: اجماعی که شیخ طوسی (ره) در کتاب خلافتش ادعا کرده و فرموده «دلینا اجماع فرقه و اخبارهم» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۸)

بررسی ادله قول اول:

۱- اطلاعات و عمومات قرآن

صاحب ریاض المسائل به مطلقات آیات قرآن اینگونه پاسخ داده است: «متبادر از این اطلاعات غیر مورد ما نحن فیه است و لا اقل موضوع مورد بحث از آن انصراف دارد» (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۴۱) دفاع محقق کرکی هم از عموم آیات وارد نیست زیرا مطلوب مردم همیشه با نگاه به وجه و کفین حاصل نمی شود به علاوه اینکه طبق نظر اصولیون، اطلاق آیات به وسیله روایات معتبر قید می خورد.

۲- روایات

صاحب ریاض می فرماید: تعلیل هایی مثل «سهم من سهام ابلیس» و «خوف وقوع الفتنة» شامل نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد نمی شود. (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۴۱)

زیرا در این نگاه ها اصلاً مفسده ای وجود ندارد یا اینکه مصلحت آن بر مفسده اش غالب است.

استدلال به روایات دسته دوم که شیخ طوسی نقل کرده بودند مبتنی بر مفهوم لقب است درحالی که از نظر اصولیون لقب مفهوم ندارد.

به علاوه اینکه در مقابل این روایاتی که بیان شده روایات دیگری با سند صحیح نقل شده که در آن ها نگاه به مو و محاسن زن و معاصم او جایز دانسته شده است مثل روایات زیر:

۱- عن هشام بن سالم، حماد بن عثمان و حفص بن بختری، کلهم عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: لا باس بان ينظر الى وجهها و معاصمها اذا اراد يتزوجها» امام صادق (عليه السلام) فرمود: «نگاه مرد به صورت و معصم زنی که می خواهد با او ازدواج کند مانعی ندارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۸۸)

معصم در لغت به معنای موضع السوار من الید است یعنی جایی که دستبند بسته می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۰۸) پس طبق این روایت نظریه ی اختصاص باطل خواهد بود.

ادله قول اول:

صاحب حدائق معتقد است نگاه مخصوص مرد است زیرا اصل نگاه مرد به زن و بالعکس حرمت است و جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد با دلیل از این اصل خارج شده است و در اخبار هم علت این جواز اینگونه بیان شده که مرد مشتری زن است و شأن مشتری این است که به چیزی که قصد خریدن آن را دارد نگاه کند تا متضرر نشود و این علت در نگاه زن به مرد جاری نمی‌شود پس قیاس زن به مرد در این مسئله قیاس مع الفارق است. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۶)

صاحب جواهر نیز قیاس زن به مرد را در این مسئله ممنوع می‌داند و علتی که برای جواز نگاه مرد در روایات بیان شده را نسبت به زن محقق نمی‌داند. ایشان می‌فرمایند: «مگر اینکه تعلیلی که در برخی روایات آمده مبنی بر اینکه این نگاه باعث الفت و مودت می‌شود را در زن جاری بدانیم لکن اکتفا کردن به این روایات نمی‌تواند نگاه زن به مرد را از اصل حرمت نگاه خارج کند.» (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۶۸)

صاحب ریاض هم نظرشان این است که نصوص همه مختص مرد است لذا الحاق زن به مرد قیاس بوده و قیاس اولویت ممنوع است. زیرا قیاس در اینجا مستنبط العلة است نه منصوص العلة و علت‌هایی که در نصوص بیان شده همه مختص مردان است پس حکمت اقتضا می‌کند که در زن نگاه جایز نباشد. زیرا احتمال دارد زن با نگاه کردن شیفته‌ی مرد شود اما ممکن است مرد نسبت به او رغبتی نداشته باشد لذا مراعات اصل لازم است. (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۴۰)

ادله قول دوم:

شیخ انصاری قائل به جواز شدند و نظرشان این است که اگر بر مرد جایز است به زن مورد خواستگاری اش نگاه کند تا مالی که جهت مهریه پرداخت می‌کند ضایع نشود پس نگاه زن به مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند به طریق اولی جایز است تا بضعی که تقدیم مرد می‌کند ضایع نشود.

بخصوص اینکه مرد اگر این زن را نپسندید، از راه طلاق می‌تواند خودش را خلاص کند برخلاف زن که طلاق به دست او نیست و اگر از این مرد خوشش نیامد راه خلاصی ندارد.

اخباری که دلالت می‌کند بر اینکه مرد بهای زیادی پرداخت می‌کند پس می‌تواند به زن مورد خواستگاری اش نگاه کند از همین اخبار استفاده می‌شود که زن هم چون خودش را در اختیار مرد می‌گذارد بدون شک گران‌بهارترین مثنی را پرداخت می‌کند پس نگاه او به مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند باید جایز باشد. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲ و ۴۳)

شیخ انصاری نظر مخالفین در این مسئله که گفته‌اند ما دلیلی برای جواز نگاه زن به مرد نداریم را ضعیف دانسته و فرموده‌اند: «آن‌ها در مفاد تعلیل دقت نکرده‌اند.» (همان)

مناقشه شیخ ایروانی بر استدلال شیخ انصاری:

اگر زن گرانباترین مثن را می‌پردازد پس باید نسبت به ثمن علم داشته باشد تا بداند مثن را در مقابل چه چیزی می‌پردازد و ثمن در اینجا مرد نیست بلکه مهری است که زن در مقابل آن بضع خود را بذل می‌کند. (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲)

رد بر مناقشه شیخ ایروانی:

به دو دلیل این مناقشه مردود است: ۱- تنقیح مناط می‌کنیم، به این صورت که همانطوری که شارع مقدس برای مال ارزش قائل شده و نمی‌خواهد مرد ضرر مالی داشته باشد قطعاً و به طریق اولی ضرر جانی زن را هم ملاحظه می‌کند و این ضرر جانی از آن جهت است که زن وقتی نمی‌داند با چه قیافه‌ای ازدواج می‌کند ممکن است بعداً مورد پسند او قرار نگیرد که در این صورت از طرفی مثل این می‌ماند که در یک زندان با اعمال شاقه زندگی می‌کند و از طرفی هم اختیار طلاق ندارد.

۲- ولو اینکه فرض کنیم ثمن مهر باشد، قیافه‌ی مرد در کم یا زاد بودن مهر دخالت دارد اگر قیافه‌اش ناپسند باشد ممکن است هر مقدار مهر زیاد باشد باز هم ارزش مبادله را نداشته باشد. برعکس اگر قیافه‌اش مورد پسند باشد ممکن است مهر مختصر هم کفایت کند.

نتیجه این که مذاق شرع این است که اجازه اختصاص به مرد ندارد و زن هم مجاز است که نگاه کند تا از این ناحیه مشکلی برای او پیش نیاید. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۶۵)

شهید ثانی نیز در این مسئله مرد و زن را در مقصود، مشترک می‌داند لذا نگاه زن به مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند را جایز می‌داند. (عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۱)

خلاصه این که به نظر می‌رسد فرق گذاشتن بین زن و مرد در این مسئله درست نباشد زیرا ایندو شریک زندگی هم هستند و اصل بر اشتراک و همسویی حقوق زن و مرد است. قرآن در این باره می‌فرماید: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» برای زنان حقوق شایسته‌ای بر عهده‌ی مردان است مانند حقوقی که برای مردان بر عهده‌ی آنان است. (بقره: آیه ۲۲۸)

لذا می‌توان نتیجه گرفت همان طوری که مرد در برابر ازدواج بهای زیادی می‌پردازد زن هم در مقابل از گوهر عفاف و پاکدامنی خود مایه می‌گذارد و بضع خود را تقدیم می‌کند پس هر دو باید در این انتخاب از حقوق مشترک برخوردار باشند. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۹)

آیت الله بهجت (ره) می‌فرماید: «وجهی دارد که زن هم بتواند به مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند با شرایطی که گفته شد نگاه کند.» (بهجت گیلانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۸۶)

علتی که در مشروعیت نظر به مخطوبه وجود دارد منحصر به «یشتربها باغلی الثمن» نیست بلکه علت این است که می‌خواهد شریک زندگی انتخاب کند و علتش توافق است و توافق منحصر به مرد نیست

بلکه در زن هم هست. لذا از قرائن موجود در روایات، الغاء خصوصیت عرفیه می‌کنیم و قرائن موجود و بعضی تعبیرات روایات به زن هم اجازه می‌دهد که به میران متعارف ببیند و اگر کسی در حالت عادی نظر زن را به مرد اجازه ندهد بعید نیست که در مقام خواستگاری اجازه دهد. (مکارم، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۷۴)

پس زن هم مثل مرد در مسئله ازدواج حق انتخاب و گزینش دارد و می‌تواند پیشنهاد خواستگاری را قبول یا رد نماید لذا مصلحت اقتضا می‌کند که انتخاب زن هم مثل مرد انتخابی آگاهانه و از روی شناخت و با بینش باشد.

نتیجه گیری

شارع مقدس در امر ازدواج تسهیلاتی قرار داده تا از این طریق بنای مقدس خانواده پایدار بماند نگاه مرد به وجه و کفین و محاسن زنی که قصد ازدواج با او را دارد در حدی که عرف متشرعه بپذیرد را اجازه داده است.

این نگاه باید تحت شرایطی باشد مثل این که با قصد لذت نباشد و احتمال حصول شناخت بیشتر را بدهد و زن جایزالتزویج باشد و احتمال توافق از طرف زن را بدهد و ...

همچنین زن نیز می‌تواند به مردی که قصد ازدواج با او را دارد در حد متعارف نگاه کند.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارلفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۳. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب جعفری، سه جلدی، چاپ دوم، قم، منشورات جامعه المصطفی العالمیه، ۱۴۲۷ق.
۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، ۲۵ جلدی، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
۵. بغدادی، مفید محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، چاپ اول، قم، ناشر: کنگره جهانی هزاره‌ی شیخ مفید(ره)، ۱۴۱۳ق.

۶. بهجت گیلانی، محمدتقی، رساله توضیح المسائل، چاپ ۹۲، قم، انتشارات شفق، ۱۴۲۸ق.
۷. تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیلہ، لنکرانی، محمدفاضل موحدی، چاپ اول، قم، ناشر: مرکز فقهی ائمه (علیہم السلام)، ۱۴۲۱ق.
۸. حائری، سید علی بن محمد طباطبائی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل ط- الحدیثہ چاپ اول، قم، موسسہ آل البیت (علیہم السلام)، ۱۴۱۸ق.
۹. حلبی، ابوالصلاح تقی الدین نجم الدین، الکافی فی الفقہ، چاپ اول، اصفہان، کتابخانہ عمومی امام امیرالمومنین (علیہ السلام)، اصفہان، ۱۴۰۳ق.
۱۰. حلی محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، موسسہ اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۱. حلی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی، المہذب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵جلدی، چاپ اول، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، ۱۴۰۷ق.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، تحریر الاحکام الشرعیہ علی مذهب الامامیہ، چاپ اول، قم، موسسہ امام صادق (علیہ السلام)، ۱۴۲۰ق.
۱۳. حلی، فخر المحققین محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، قم، موسسہ اسماعیلیان.
۱۴. خمینی، سیدروح اللہ موسوی، تحریر الوسیلہ، ۲ جلدی، چاپ اول، قم، موسسہ مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، موسوعۃ الامام خوئی، ۳۳ جلدی، قم، موسسہ احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۶. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب النکاح، چاپ اول، قم، ناشر: کنگرہ جہانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۱۷. زنجانی، سید موسی بشیری، کتاب نکاح، ۲۵ جلدی، چاپ اول، قم، موسسہ پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
۱۸. سبزواری، محمد بن باقر بم محمد مومن، کفایۃ الاحکام، چاپ اول، اصفہان، انتشارات مہدوی، بی تا.
۱۹. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویہ، علل الشرائع، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۶ق.

حدود و شرایط نظر به مخطوبه ۲۱

۲۰. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، ۲جلدی، چاپ دوم، بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الخلاف، چاپ اول، قم، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۲۳. عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۲۴. عاملی، حر، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰جلدی، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت(علیهم السلام)، ۱۴۰۹ق.
۲۵. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسن، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، ۱۳جلدی، قم، ناشر: موسسه آل البیت(علیهم السلام)، ۱۴۱۴ق.
۲۶. مفید بغدادی، محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید(ره)، ۱۴۱۳ق.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، النکاح، ۶جلدی، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام علی(علیه السلام)، ۱۴۲۴ق.
۲۸. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۳جلدی، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۹. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهرالقاموس، چاپ اول، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.

مقالات

- ۱- صدر حسینی، علیرضا، حکم نظر به مخطوبه، پژوهش های دینی، شماره سوم، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱-۱۸۳.